



جهان در سال ۲۰۱۸

پادکست دایجست | قسمت ۱۹

اسفند ۱۳۹۷

فرشاد محمودی

ویرایش و تنظیم: شادی حسینی

مقدمه

طبق روال هر سال پادکست دایجست، با پایان سال میلادی، نگاهی می‌کنیم به مهم‌ترین رویدادهای سال گذشته و هر کدام را به اختصار باز می‌کنیم تا بدانیم در سالی که گذشت و هر کدام از ما درگیر زندگی شخصی خود بودیم، دنیا چه رخداد‌های بزرگی را از سر گذراند. قطعاً آگاه بودن از این رویدادها باعث می‌شود که در مورد مسائل مختلف تصمیمات بهتری بگیریم و شاید بتوانیم اخبار سال پیش رو را بهتر تجزیه و تحلیل کنیم. پس با دایجست همراه باشید تا چند مورد از مهم‌ترین اتفاقات سال ۲۰۱۸ را با هم مرور کنیم.

جنگ تجاری آمریکا و چین

در سال ۲۰۱۸ شاهد یک جنگ تجاری بزرگ بین دو ابرقدرت اقتصادی دنیا، یعنی آمریکا و چین، بودیم. این دو کشور یک جنگ تعرفه‌ای گمرکی را شروع کردند که تقریباً هنوز هم ادامه دارد. ترامپ -پیش از آن که به ریاست‌جمهوری آمریکا برسد- در بسیاری از سخنرانی‌های تبلیغاتی و حتی توییت‌هایش اشاره کرده بود که چین در حال سوءاستفاده از وضعیت تجاری بین دو کشور است. ناگفته نماند که یکی از ویژگی‌های شاخص ترامپ، سیاست‌های ملی‌گرایانه و محافظه‌کارانه‌ی اوست. ترامپ معتقد است که آمریکا بیش از حد به دنیا باج داده و کشورهای دیگر از این موقعیت سوءاستفاده می‌کنند و چین یکی از این کشورهاست.

ترامپ تراز تجاری دو کشور را مبنای مقایسه قرار داده است. در تعریفی ساده، تراز تجاری یعنی میزان واردات و صادرات مبادله شده بین دو کشور. اگر مقدار واردات بیشتر از صادرات باشد، اصطلاحاً تراز تجاری را منفی می‌گویند و اگر میزان صادرات بیشتر باشد، تراز تجاری مثبت است. از صحبت کردن درباره‌ی خوب یا بد بودن هر کدام از این حالت‌ها می‌گذریم؛ اما به‌طور کلی باید بدانیم که اگر حجم واردات از یک کشور نسبت به صادرات به آن کشور بیشتر شد، به خودی خود نکته‌ی بدی نیست. این مبحث بسیار مفصل است و تشریح آن را به یکی از قسمت‌های پادکست در سال جدید موکول می‌کنم.

تراز تجاری آمریکا با چین منفی است. در سال ۲۰۱۷ آمریکا چیزی حدود ۵۰۶ میلیارد دلار از چین واردات داشته، اما حجم واردات چین از آمریکا حدود ۱۳۰ میلیارد دلار بوده است. یعنی چین جنس بیشتری به آمریکا صادر می‌کند. این همان نکته‌ای است که ترامپ روی آن تأکید دارد. ترامپ می‌گوید ما نباید این قدر واردات داشته باشیم و در مقابل نتوانیم صادرات کنیم.

شاید بگویید که ضعف خود آمریکا است که در صادرات ناموفق بوده است. ترامپ با شما موافق نیست. ترامپ اعتقاد دارد که دولت چین برخلاف قوانین تجارت جهانی عمل می‌کند و باعث می‌شود که شرکت‌های آمریکایی نتوانند به درستی به بازارهای چین دسترسی داشته باشند. مثلاً شرکت‌های چینی شرکت‌های آمریکایی را مجبور می‌کنند تا برای دسترسی به بازارهای آن‌ها، با چینی‌ها قراردادهای سرمایه‌گذاری مشترک امضا کرده و طی یک مسیر چندساله تکنولوژی‌های خود را به چینی‌ها منتقل کنند. بدین ترتیب این تکنولوژی‌ها به گونه‌ای به سرقت می‌روند.

دلیل دیگر این بود که ترامپ اعتقاد داشت سیاست‌های رئیس‌جمهوران پیشین باعث شده که بیشتر صنایع آمریکایی از آمریکا مهاجرت کرده و کارخانه‌های خود را در کشورهای دیگر بر پا کنند و این باعث افزایش بی‌کاری کارگران آمریکایی در آمریکا شده است.

ترامپ در سال ۲۰۱۷ دستور داد که تحقیقاتی در رابطه با تخلفات تجاری چین صورت گیرد. او چین را برای کم کردن فاصله‌ی تراز تجاری بین چین و آمریکا تحت فشار گذاشت. یعنی چین مجبور بود که با شرکت‌های آمریکایی کنار بیاید. سرانجام در سال ۲۰۱۸ تهنه‌پندهای خود را عملی کرد و بر کالاهای وارداتی چینی تعرفه‌های گمرکی‌ای به ارزش ۵۳ میلیارد دلار اعمال کرد. در نتیجه کالاهایی که قبلاً بدون تعرفه وارد می‌شدند، حال با پرداخت ۱۰ تا ۲۵٪ تعرفه به گمرک آمریکا، وارد می‌شوند. این بدان معناست که قیمت این کالاها در بازار هم به همین میزان افزایش می‌یابد. این تعرفه‌ها صنایع مختلفی را تحت الشعاع قرار می‌دهند؛ از فولاد گرفته تا قطعات خودرو و ماشین‌آلات و لوازم خانگی و... چین هم در مقابل تعرفه‌هایی به ارزش ۵۰ میلیارد دلار بر کالاهای آمریکایی، مخصوصاً محصولات کشاورزی، وضع کرد. چین عمداً محصولاتی را هدف تعرفه‌های سنگین قرار داد که در ایالت‌های جمهوری خواهان (حزب ترامپ) تولید می‌شوند؛ مثل سویا.

با پایان دور اول کشمکش‌ها، ترامپ جنجال را به مرحله‌ی پیشرفته‌تری کشاند و حدود ۲۰۰ میلیارد دلار دیگر بر تعرفه‌ی کالاهای وارداتی از چین افزود تا باعث شود چین هم در اقدامی تلافی‌جویانه، ۶۰ میلیارد بر تعرفه کالاهای وارداتی آمریکایی اضافه کند. تا این‌جا مجموع ارزش تعرفه‌ی کالاهای چینی در آمریکا به حدود ۲۵۳ میلیارد دلار و تعرفه‌ی کالاهای آمریکایی در چین به حدود ۱۱۰ میلیارد دلار رسید. البته قائله به این‌جا ختم نشد؛ چراکه ترامپ تهدید کرده‌است که در صورت عقب‌نشینی نکردن چین، مابقی کالاهای آن‌ها را زیر تعرفه‌ی ۲۶۷ میلیارد دلاری خواهد برد. در آخرین وضعیت دو طرف در یک صلح موقت ۹۰ روزه قرار دارند و بناست که طی مذاکراتی به یک نتیجه‌ی نهایی برسند.

عربستان و ماجرای قتل جمال خاشقچی

قتل‌های بسیاری در سراسر دنیا روی می‌دهد، اما این قتل به‌خصوص آن‌قدر اهمیت یافت که واکنش بیشتر کشورهای دنیا را برانگیخت. مرگ یک خبرنگار عربستانی در سالی که گذشت، رابطه‌ی این کشور را با بیشتر متحدانش در معرض خطر قرار داد. جمال خاشقچی یک خبرنگار عربستانی بود که پیش‌تر روابط صمیمانه‌ای با خانواده‌ی پادشاهی عربستان داشت؛ اما در سال ۲۰۱۷، با روی کار آمدن محمد بن سلمان (ولیعهد عربستان)، جمال خاشقچی - که با ولیعهد جدید مشکل داشت - از عربستان به آمریکا گریخت و در آن‌جا انتقاد از سیاست‌های محمد بن سلمان را آغاز کرد. او می‌گفت که عربستان باید به مردم آزادی بیان بدهد، باید حقوق زنان با مردان مساوی باشد، این حکومت دینی باید کنترل شود و سکولاریسم راه پیشرفت به آینده‌است و... او همچنین از جنگ یمن که به رهبری عربستان صورت گرفته بود، انتقاد کرده بود. به این دلایل، مشکلات خاشقچی و بن‌سلمان شدیدتر شد. در اکتبر ۲۰۱۸ آقای خاشقچی - که یک نامزد ترک داشته و در آستانه‌ی ازدواج بودند - برای تکمیل مدارکش به سفارت عربستان در ترکیه رفت؛ اما وارد شدن به سفارت همان و بیرون نیامدن همان... روایات حاکی از آن است که از چند روز قبل، تیمی با جت شخصی از عربستان آمده و در سفارت کمین کرده بودند تا زمانی که جمال خاشقچی وارد سفارت شد، او را به قتل برسانند. ماجرا وقتی افشا می‌شود که دولت ترکیه اعلام می‌کند این شخص در سفارت به قتل رسیده و مقامات عربستانی مسئول آن هستند.

عربستانی‌ها که در محاسباتشان مقامات ترکیه را فراموش کرده بودند، تا دو هفته‌ی اول از ماجرا اظهار بی‌خبری می‌کردند. پس از آن‌که ترکیه مدارک، فیلم دوربین‌های مداربسته و صداهای ضبط‌شده را منتشر کرد، مقامات عربستان صدور اعلامیه‌های ضد و نقیض را آغاز کردند. ابتدا اظهار بی‌اطلاعی کردند، در مرحله‌ی بعد کشته شدن او را تأیید کردند و گفتند کار یک تیم سرخود بوده و اطلاعات متناقضی از این دست... نهایتاً حقیقت افشا شد و افکار عمومی محمد بن‌سلمان را به‌عنوان مسئول این قتل می‌شناختند. این ماجرا وجهه‌ی بسیاری از کشورهای غربی - که با عربستان تجارت تسلیحاتی می‌کردند - را به خطر انداخت و باعث شد که نسبت به عربستان جبهه بگیرند. تا جایی که برخی کشورها مثل آلمان، دانمارک و فنلاند، قراردادهای تسلیحاتی خود با عربستان را لغو کردند. دیگر کشورها افراد مظنون به مشارکت در قتل را تحریم کردند و رابطه با عربستان را کاهش دادند. با این حال بزرگ‌ترین حامی عربستان یعنی آمریکا، همچون خود عربستان، در ابتدا این وقایع را کتمان می‌کرد؛ اما با انتشار مدارک بیشتر توسط ترکیه و جبهه‌گیری متفق‌القول تمام کشورها، ناچار شد که تا حدی این قضیه را محکوم کند. اما از آن‌جا که ترامپ یک تاجر است، قراردادهای تسلیحاتی‌اش را با عربستان لغو نکرد. در حال حاضر نمایندگان کنگره و سنای آمریکا در تلاشند که ترامپ را برای مجازات عربستان تحت فشار بگذارند. باید صبر کرد و نتیجه‌ی کار را دید. این ماجرا اعتبار سیاسی آمریکا را خدشه‌دار کرده‌است.

انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره‌ی آمریکا

آمریکا یکی از ابرقدرت‌های تأثیرگذار در عرصه‌ی جهانی‌ست؛ در نتیجه هر عاملی که نحوه‌ی تصمیم‌گیری دولت آمریکا را تحت‌الشعاع قرار دهد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. از این رو انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره‌ی آمریکا یکی دیگر از مهم‌ترین اتفاقات ۲۰۱۸ بود. می‌دانیم که هم‌زمان با به‌قدرت رسیدن ترامپ از حزب جمهوری‌خواهان، در مجلس و سنای کنگره نیز اکثر کرسی‌ها به جمهوری‌خواهان رسید. این شرایط اصطلاحاً Federal Trifecta نامیده می‌شود و به معنای آن است که دولت و کنگره هر دو از یک حزب هستند. وقتی اکثریت اعضای کنگره و سنا از حزب هم‌سو با دولت باشند، کار رئیس‌جمهور در تصویب قوانین بسیار آسان خواهد بود. پیش از آن‌که راجع به نتیجه‌ی انتخابات صحبت کنیم، بهتر است که با ساختار قوه‌ی مقننه یا کنگره‌ی آمریکا آشنا شویم. کنگره‌ی آمریکا از دو مجلس تشکیل شده‌است:

- House of Representatives: می‌توان گفت شبیه مجلس عوام انگلیس است، ۴۳۵ عضو دارد و انتخابات آن هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود.

- مجلس سنا: نام دیگر آن مجلس اعیان است، ۱۰۰ عضو دارد، انتخاباتش هر ۶ سال یک‌بار اتفاق می‌افتد، اما هر دو سال، دوره‌ی انتخابی حدود ۳۰٪ اعضا به پایان می‌رسد.

این دو مجلس در اساس تفاوت‌هایی با هم دارند. تعداد اعضای House of Representatives به جمعیت هر ایالت بستگی دارد. در واقع چون یک مجلس دموکراتیک و نماینده‌ی توده‌ی مردم است، در نتیجه اگر جمعیت ایالتی ۲۰ برابر یک ایالت کوچکتر بود، تعداد نمایندگانش هم باید به همان نسبت بیشتر باشد. درحقیقت کنگره آینه‌ای است از جمعیت آمریکا. موضوعاتی که در این مجلس به آن‌ها پرداخته می‌شود، موضوعاتی هستند که با زندگی داخلی مردم آمریکا ارتباط زیادی دارند؛ تصویب لایحه‌های مالیاتی، بودجه‌ی دولت، قوانین مرتبط با مهاجرت، حق سقط و مسائل بسیار دیگر.

از سوی دیگر آمریکا یک مجلس سنا هم دارد. مبنای کار سنا این است که اعضای این مجلس بتوانند به موضوعات مهم‌تری رسیدگی کنند که بعضاً نظر اکثریت مردم را نمایندگی نمی‌کند. تعداد اعضای آن با جمعیت ایالات آمریکا رابطه‌ی یک به یک ندارد. یعنی سنا در ذات خود دموکراتیک نیست و بیشتر ماهیتی آریستوکراتیک دارد. هر ایالت در سنا فقط و فقط دو سناتور دارد؛ چه کالیفرنیا باشد، چه وایومینگ (جمعیت کالیفرنیا ۷۰ برابر جمعیت وایومینگ است). هر دوی این ایالات دو سناتور دارند. اساس سناسنت که باعث می‌شود اکثریت کالیفرنیا، اقلیت وایومینگ را به حاشیه نراند و منافع به‌صورت یکسان بررسی شوند. ۶ ساله بودن مدت سناتوری به این دلیل است که سناتورها تحت تأثیر فشارهای کوتاه‌مدت اکثریت قرار نگیرند و منافع بلندمدت را مدنظر داشته‌باشند. از آن‌جا که در سنا تعداد نمایندگان محدود است و تنها موضوعات مهم مورد بحث هستند، محدودیت زمان سخنرانی وجود ندارد. نمایندگان می‌توانند هر قدر که لازم باشد در صحن سنا صحبت کنند؛ در صورتی که در کنگره زمان سخنرانی دارای محدودیت است.

تمام این‌ها نشان‌دهنده‌ی اهمیت سنا در برخی امور دولت است. برای مثال اکثر فعالیت‌های مربوط به امور خارجه‌ی دولت باید توسط سنا تصویب شوند و بدون تصویب سنا فاقد اعتبارند. بیشتر منصوبات قوه‌ی قضاییه - که توسط رئیس‌جمهور انجام می‌شود- باید توسط سنا تأیید شوند. همچنین تمام سفرا و...

باتوجه به آن‌چه که گفتیم، تا قبل از این انتخابات میان‌دوره‌ای، قوه‌ی مجریه (رئیس‌جمهور)، سنا و کنگره همگی در دست جمهوری خواهان بود. (اگر مایلید که تفاوت‌های اصلی بین جمهوری خواهان و دموکرات‌ها را بدانید، می‌توانید قسمت هفدهم پادکست دایجست را گوش کنید.) در سال ۲۰۱۸ (درحالی که دو سال از ریاست‌جمهوری ترامپ گذشته‌است) زمان این انتخابات فرا می‌رسد. معمولاً این انتخابات رضایت مردم از عملکرد دولت را تا نیمه‌ی کارش نشان می‌دهد. نکته‌ی جالب آن‌که این انتخابات از لحاظ میزان مشارکت مردم یکی از کم‌سابقه‌ترین‌ها بود.

نتیجه‌ی انتخابات این شد که دموکرات‌ها (حزب مخالف ترامپ) توانستند کنترل اکثریتی جمهوری خواهان را در کنگره به پایان برسانند و حزب اکثریت شوند. در مجلس سنا کماکان جمهوری خواهان حزب اکثریت باقی ماندند. این بدان معناست که ترامپ در دو سال آینده‌ی ریاست‌جمهوری خود، در امور داخلی با مشکلات زیادی روبه‌رو می‌شود. در ادامه یکی از این مشکلات را با هم بررسی خواهیم کرد.

خروج آمریکا از معاهده‌ی برجام و شروع دوباره‌ی تحریم‌ها علیه ایران

عواقب این رخداد را با پوست و گوشت و استخوان لمس کرده‌ایم و نیازی به تشریح بیشتر آن نیست. ولی به‌غیر از ما، این خبر برای سایر جهان هم یکی از مهم‌ترین رخداد‌های سال ۲۰۱۸ بود. ترامپ از زمانی که نامزد ریاست‌جمهوری بود، برجام را به چشم یک معاهده بد نگاه می‌کرد و هیچ‌وقت این توافق را تأیید نکرد و در نهایت پس از تهدیدهای بسیار، در ۸ می ۲۰۱۸ تصمیم ترک کردن این توافق را عملی کرد. او دو بازه‌ی سه‌ماهه را به شرکت‌های مختلف بین‌المللی فرصت داد تا همکاری خود را با ایران قطع کنند.

هرچند که اتحادیه‌ی اروپا در کنار ایران و در برجام باقی ماند، ولی بسیاری بر این باور هستند که این موضع‌گیری اروپا بیشتر جنبه‌ی سیاسی دارد تا این‌که مرهمی بر دردهای ایران باشد. بر اثر این تحریم‌ها، بسیاری از شرکت‌های بزرگ از جمله شرکت نفتی توتال فرانسه، خط کشتیرانی مرسک دانمارک، خودروسازی پژو، ژنرال الکتریک آمریکا، بوئینگ و بسیاری از شرکت‌های معتبر دیگر همکاری‌شان را با ایران قطع کردند.

گفته می‌شود تحریم‌های دور جدید که از شدیدترین تحریم‌ها هستند صنایعی از قبیل، نفت، خودروسازی، هواپیما، مالی، فلزات و بسیاری دیگر را هدف‌گیری کرده‌اند. یکی از تبعات آنی تحریم‌ها، کاهش ارزش ریال ایران بوده‌است.

با این وجود ایران هنوز به تعهدات خود در برجام پایبند مانده و آژانس انرژی هسته‌ای نیز این تعهد را تأیید کرده‌است. هم‌زمان اروپا در پی برقراری سامانه‌ای بوده‌است که مبادلات مالی شرکت‌های اروپایی با ایران میسر شود و در نتیجه‌ی ماه‌ها تلاش، سامانه اینستکس (INSTEX) راه‌اندازی شد تا بتواند این مبادلات را عملی کند.

به‌طور خلاصه، اینستکس یک سیستم ویژه‌ی مالی برای دور زدن تحریم‌های آمریکاست. یک شعبه از این شرکت در اروپا تأسیس شده و شعبه‌ی دیگر آن باید در ایران تأسیس شود و تمام اطلاعات تجاری بین شرکت‌های ایرانی و اروپایی در آن ثبت می‌شود. فعلاً فرانسه میزبان این نهاد در اروپاست. مدیر این شعبه یک بانکدار ارشد آلمانی ست و انگلیس هم وظیفه‌ی حسابرسی را برعهده گرفته‌است. وظیفه‌س اصلی این نهاد تسویه حساب کردن با شرکت‌های بدهکار و بستانکار همکار با ایران هست. فرض می‌کنیم شرکتی از ایران کالا خریده و بدهکار است و شرکت دیگری به ایران کالا فروخته و طلبکار است. در این سازوکار، شرکت طلبکار به جای آن که طلب خود را مستقیماً از ایران وصول کند، پول را از شرکتی که به ایران بدهکار بود، دریافت می‌کند و بدون این‌که پولی با ایران مبادله شود، این حساب‌ها تسویه می‌شوند.

البته گفته می‌شود این نهاد در گام نخست برای کالاهای غیرتحریمی مثل دارو، مواد غذایی و وسایل پزشکی راه‌اندازی شده و هنوز کشورهای ثالث به آن نپیوسته‌اند. تا این‌جا موانعی بسیاری سر راه اینستکس وجود داشته و مشکلات ایران را هم کاملاً رفع نکرده‌است. اما می‌توان گفت به‌عنوان یک اقدام مستقلانه‌ی اروپا در مقابل سیاست‌های آمریکا، از لحاظ سیاسی نقطه‌ی مهمی به حساب می‌آید؛ هرچند که شاید در این مرحله گرهی از مشکلات ایران نگشاید.

برکسیت و اتحادیه‌ی اروپا

خبر بعدی مربوط به خروج انگلستان از اتحادیه‌ی اروپاست که کماکان در جریان است. در ابتدا اشاره کنم که جزئیات و شرح مفصل ماجرای برکسیت را می‌توانید در قسمت دوم پادکست دایجست بشنوید. در این‌جا به ذکر خلاصه‌ای از آن می‌پردازیم. به یاد داریم که مردم انگلیس در فروردین سال ۲۰۱۶ تصمیم گرفتند از اتحادیه‌ی اروپا خارج شوند و دولت مجبور شد که در این جهت اقدام کند.

ترسا می، نخست‌وزیر انگلستان، در سال ۲۰۱۷ اولین گام را برای عملی کردن این تصمیم برداشت و رسماً شمارش معکوس خروج انگلیس از اتحادیه آغاز شد. انگلیس از آن زمان دو سال وقت دارد که برای خروجش از اتحادیه اروپا، اقدامات لازم را انجام دهد تا در ساعت ۱۱ شب ۲۹ مارس ۲۰۱۹ از اتحادیه اروپا خارج شود؛ یعنی یک ماه دیگر. از زمان اجرای این تصمیم، مذاکرات زیادی بین انگلیس و اتحادیه اروپا شکل گرفته است. موضوع این مذاکرات پیرامون چند مسئله است: وضعیت مشاغل، تجارت، مهاجرت، پول‌هایی که باید بین دو طرف مبادله شود و... حال برکسیت در تمام دنیا به سوژه‌ی رسانه‌ها تبدیل شده است. مسیری که انگلیس در آن گام نهاده، اما نه راه پس دارد و نه راه پیش! نه می‌تواند امتیاز زیادی از اتحادیه اروپا بگیرد - چراکه آن‌ها می‌خواهند انگلستان درس عبرتی برای سایر کشورها باشد - و نه می‌تواند نمایندگان مجلس را متقاعد کند که توافقات حاصل شده با اتحادیه، به نفع انگلیس است.

دولت، پس از ماه‌ها تلاش بی‌وقفه، یک سند چندصفاحه‌ای که توافقات بین اتحادیه اروپا و انگلیس بود را برای تأیید به مجلس برد که رأی نیورد و به شدت شکست خورد. حال انگلیس همچنان در وضعیت بلاتکلیفی قرار دارد. آیا مدت برکسیت تمدید می‌شود؟ آیا توافقی بین انگلیس و اتحادیه اروپا شکل خواهد گرفت؟ یا هیچ کدام و بدون هیچ توافقی برکسیت رسماً رخ می‌دهد؟

چهارمین دوره ریاست جمهوری پوتین و استعفای آنگلا مرکل

در این سال برای دو تن از بزرگ‌ترین رهبران جهان دو اتفاق بزرگ افتاد. ولادیمیر پوتین در روسیه برای چهارمین بار رئیس‌جمهور شد تا رکورد بیشترین مدت ریاست‌جمهوری را به نام خود ثبت کند. دو دوره اول ریاست‌جمهوری او بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۸ بود که ۸ سال طول کشید. در آن زمان دوره‌های ریاست‌جمهوری روسیه ۴ ساله بودند؛ اما از سال ۲۰۰۸ به بعد این مدت به ۶ سال افزایش پیدا کرد. پوتین در سال ۲۰۱۲ دوباره رئیس‌جمهور روسیه شد و در سالی که گذشت توانست با کسب ۷۷٪ آرا برای چهارمین بار رئیس‌جمهور روسیه بشود. او تا ۲۰۲۴ در این سمت باقی خواهد ماند.

اما در جایی دیگر، اروپا یکی از قدرتمندترین رهبران خود را از دست داد. شخصی که در آلمان به او «مادر» می‌گویند: آنگلا مرکل. قدرتمندترین زن جهان که از سال ۲۰۰۵ صدراعظم آلمان بود، در سال ۲۰۱۸ از سمت خود به‌عنوان رهبر حزب CDU کناره‌گیری و اعلام کرد که برای دور بعدی صدراعظمی اقدام نخواهد کرد. این چهارمین دوره ریاست آنگلا مرکل بود و بسیاری از او به مثابه‌ی مرکز ثقلی در اروپا یاد می‌کردند؛ مخصوصاً در زمانی که اتحادیه اروپا به‌خاطر مسائلی مثل برکسیت و ظهور راست‌ها، درگیر بحران هویتی است. در حقیقت این مرکل بود که با اقتدار سیاسی خود توانست حزب‌های چپ و راست آلمان را با هم متحد کند و دو مورد از مشکلات اساسی اقتصاد آلمان را حل کند: هزینه‌های زیاد دولت و نرخ بی‌کاری. هنگامی که تمام اروپا با مشکل بحران جهانی اقتصاد دست و پنجه نرم می‌کرد، آلمان به دلیل ثباتی که مرکل حاکم کرده بود، نه تنها کم‌ترین ضربه را متحمل شد، بلکه توانست کمک‌حال اروپا هم باشد.

در بحران مالی سال ۲۰۰۸ در اروپا، یونان یکی از کشورهایی بود که بیش‌ترین خسارت را دید و از آن جایی که در منطقه‌ی یورو قرار داشت، ارزش کلی یورو در تمام اروپا را تهدید می‌کرد. این‌جا بود که آلمان -برای حفظ ثبات یورو- استراتژی خود را در یونان اجرا و سایر کشورهای حوزه‌ی یورو را متقاعد کرد که از برنامه‌اش حمایت کنند. آلمان یونان را وادار کرد که در قبال دریافت وام از اتحادیه اروپا، هزینه‌های دولت خود را به‌شدت کاهش دهد. یونان در این مسیر ناچار به تحمل ریاضت اقتصادی بود، اما زنده نگه داشتن یورو برای مرکل در اولویت بود.

محبوبیت مرکل هم در اروپا و هم در آلمان رو به افزایش بود تا این‌که در سال ۲۰۱۵ سیل پناهجویان راهی اروپا بحران‌آفرین شد. بیش از یک‌میلیون نفر از کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا به سمت اروپا در حال مهاجرت بودند. بعضی کشورها دیوارهایشان را بالا کشیدند؛ اما مرکل در تلاش بود که کشورهای اروپایی را برای حمایت از مهاجرین متقاعد کند. او پس از این‌که از حمایت آن‌ها ناامید شد، خود به‌تنهایی این کار را کرد.

آلمان به‌شکلی تبدیل شد که بیشترین تعداد مهاجر را در مرزهای خود پناه داده بود. مردم آلمان هم در ابتدا حامی این اقدام بودند و از پناهجویان به گرمی استقبال می‌کردند؛ تا این‌که در شب سال نو ۲۰۱۶ تجاوزهای دسته‌جمعی بسیار زیادی در شهرهای آلمان، به‌خصوص در شهر کلن اتفاق افتاد. حمله به ۱۲۰۰ زن توسط افرادی که عرب یا آفریقایی بودند، گزارش شده بود؛ اتفاقی که در آلمان سابقه نداشت. این خبر خشم آلمانی‌ها را در سراسر کشور برانگیخت و سبب شد که بسیاری از مردم حمایت خود را از مرکل قطع کنند و به حزب‌های مخالف -که رویکرد ملی‌گرایانه داشته و با سیاست مهاجرتی مرکل مخالف بودند- بپیوندند. این افول محبوبیت سرآغازی بود برای آن‌که مرکل از رهبری حزب کناره‌گیری کند و برای دور بعدی صدراعظمی اقدام نکند.

حال با وجود تنش‌هایی که در کشورهای اروپایی در حال شکل‌گیری است، نبود مرکل این سؤال را در ذهن خیلی‌ها ایجاد کرده است که «چه آینده‌ای در انتظار اتحادیه اروپا است؟».

جام جهانی فوتبال و عروسی سلطنتی

به غیر از اتفاقات سیاسی، دو رویداد بزرگ مفرح هم در سال ۲۰۱۸ اتفاق افتاد که نگاه میلیون‌ها نفر را به تلویزیون‌ها دوخت:

۱. جام جهانی فوتبال: این رقابت‌ها برای اولین بار در روسیه برگزار شدند و فرانسه برای بار دوم قهرمان جهان شد.

نکته‌های جالبی که باید راجع به این جام بدانیم:

- فرانسه با تیمی قهرمان جهان شد که ۸۷٪ اعضای آن به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از خانواده‌های مهاجر هستند. ترکیب‌بندی

خاص این تیم یکبار دیگر مبحث مهاجرت را در جهان داغ کرد.

- تخمین زده می‌شود که روسیه برای آماده‌سازی این جام جهانی حدود ۱۲ میلیارد دلار خرج کرده است. من نتوانستم نفع اقتصادی

روسیه از این سرمایه‌گذاری را پیدا کنم، اما طبق آمار فیفا، حدود سه میلیارد و پانصد میلیون نفر دست کم بعضی از مسابقات جام جهانی را از طریق تلویزیون تماشا کرده‌اند و نزدیک به یک میلیارد و صد و بیست میلیون نفر حداقل یک دقیقه از بازی فینال را دیده‌اند.

۲. عروسی سلطنتی: مراسم ازدواج پرنس هری انگلستان با خانم مگان مارکل، بازیگر سابق آمریکایی، در می ۲۰۱۸ برگزار شد. تخمین زده می‌شود که ۲۹ میلیون نفر این عروسی را به صورت زنده تماشا کرده‌اند.

این ازدواج با وجود آن که برخلاف سنت‌های خاندان سلطنتی انگلستان بود، صورت گرفت. سه قانون اصلی برای ازدواج با خانواده‌ی سلطنتی وجود دارد: شخص از عوام نباشد، کاتولیک نباشد و مطلقه نباشد. مگان مارکل هر سه‌ی این قوانین را نقض می‌کرد؛ کاتولیک بود (درحالی که خانواده‌ی سلطنتی پروتستان هستند)، از یک خانواده‌ی عادی می‌آمد و یک بار پیش از آن ازدواج کرده بود. علاوه بر این‌ها مگان سه سال از پرنس هری بزرگ‌تر، دو-رگه، بازیگر و آمریکایی بود. این سنت‌شکنی در سال ۲۰۱۸ توجه‌های زیادی را به خود جلب کرد. این دو نهایتاً با مجوز ملکه در یک مراسم باشکوه - که حدود ۴۵ میلیون دلار هزینه برداشت - ازدواج کردند.

دیدار آمریکا با کره شمالی و پیوند دوباره‌ی دو کره

اتفاق مهم بعدی به شرق دنیا، یعنی کشور چالشی کره شمالی مربوط می‌شود. یکی از ماجراهای پر سروصدای پارسال این بود که با روی کار آمدن ترامپ، استراتژی چندین ساله‌ی آمریکا برای مقابله با کره شمالی تغییر کرد. رویکرد دوره‌های قبلی آمریکا، مخصوصاً در دوره‌ی اوباما، چیزی بود که اصطلاحاً به آن «صبر استراتژیک» می‌گفتند. در این روش سعی داشتند که به‌طور مداوم کره شمالی را تحت فشارهای جهانی قرار داده و به تدریج این کشور را به غیرهسته‌ای شدن متعهد کنند. اما در تمام این سال‌ها کره شمالی به روند خود ادامه داد؛ موشک‌های بین‌قاره‌ای خود را ساخت، آن‌ها را امتحان کرد و آزمایشات هسته‌ای را تمام و کمال انجام داد. ترامپ گفت که دوران این صبر استراتژیک سر آمده و باید وارد مرحله‌ی «بیشترین فشار ممکن» شویم.

به همین دلیل ترامپ و کیم جونگ اون سال ۲۰۱۷ را به تهدید و منازعه گذراندند. از یک سو ترامپ توییت‌های تهدیدآمیز می‌کرد و از آن سو کره شمالی بیانیه می‌داد که ما امکان حمله به اهدافی خاص را بررسی می‌کنیم. این سطح از تنش به دلیل مجموعه‌ای از اقدامات ناگهانی کیم جونگ اون، کاهش یافت.

درواقع در مدتی که دو کشور در حال کشمکش بودند، کره شمالی موشک‌های قاره‌پیمایش را تست می‌کرد و آزمایش‌های هسته‌ای خود را انجام می‌داد. کره شمالی پس از آن که اعلام کرد که به یک قدرت هسته‌ای تبدیل شده‌است، برای مذاکره چراغ‌سبز نشان داد. کیم جونگ اون در اولین اقدام، هیأتی متشکل از ورزشکاران، خواهرش و نمایندگان خود را برای المپیک زمستانی به کره جنوبی فرستاد و از کره جنوبی دعوت کرد که برای انجام مذاکرات دو کره به کره شمالی بیاید. احتمالاً این صحنه را به‌خاطر دارید که رئیس‌جمهور کره جنوبی از مرز بین دو کره گذشت و این دو یک‌دیگر را در آغوش گرفتند. از همان هنگام کره جنوبی به‌عنوان واسطه در تلاش بود تا شرایط مذاکره‌ی کیم جونگ اون با ترامپ را فراهم کند. پس از ماه‌ها مذاکره و رفت و آمد، در ژوئن ۲۰۱۸، ترامپ به اولین رئیس‌جمهور آمریکا تبدیل شد که با رهبر کره شمالی دیدار مستقیم داشته‌است. این دیدار در سنگاپور انجام شد.

این دو که دائماً درگیر مشاجرات لفظی با یک‌دیگر بودند، ناگهان به صلح رسیدند. ترامپ در توییت کیم جونگ اون را مورد ستایش قرار داد و خود را نخستین رئیس‌جمهوری دانست که توانسته‌است تنش را از این منطقه دور کند و با کیم به توافق برسد. بسیاری بر این باورند که -علی‌رغم جریان تبلیغاتی وسیعی که ترامپ پس از آن به‌راه انداخت- آمریکا در این توافق بیش از آن که امتیازگیرنده باشد، به کره شمالی امتیاز داده‌است.

- امتیازات کره شمالی:

رژیم این کشور اعتبار جهانی یافت؛ چراکه توانست با قدرتمندترین رهبر جهان مذاکره کند. علاوه بر این، کیم جونگ اون - که بنا بر گزارش‌ها، ناقض حقوق بشر به شمار می‌رفت - بسیار مورد تمجید و ستایش قرار گرفت. مقرر شد که عملیات نظامی مشترک آمریکا و کره جنوبی در آن منطقه متوقف شود. وعده داده شد که با برگزاری نشست، تحریم‌های آمریکا و سایر کشورها به سرعت برداشته شوند. و چند مورد دیگر، از جمله این که ترامپ کیم را به کاخ سفید دعوت کند، نیروهای آمریکایی از کره جنوبی خارج شوند و...

- امتیازات آمریکا:

پروپاگاندای تبلیغاتی ترامپ که مدعی بود توانسته‌است تنش را در این منطقه کم کند. توقف آزمایش‌های هسته‌ای کره شمالی (که گفته می‌شود کره شمالی از قبل این آزمایش‌ها را متوقف کرده بود). آزادی سه نفر از زندانیان آمریکایی. گرفتن تأیید از کره شمالی برای آغاز فرآیند غیرهسته‌ای شدن. (البته آن‌طور که به‌نظر می‌رسد، این توافق نه برنامه‌ی زمانی مدونی دارد، نه مسیری روشنی برای آن مشخص شده و نه جزئیات قابل‌اجرایی دارد). ترامپ معتقد است که این توافق، توافق بسیار خوبی بوده؛ ولی بسیاری این ادعا را رد می‌کنند. همچنین به تازگی زمزمه‌ی دیدار دوباره‌ی ترامپ و کیم جونگ اون به گوش می‌رسد. باید صبر کرد و دید این استراتژی به کجا ختم می‌شود.

بحران‌های سوریه و یمن

سوریه

اگر به خاطر داشته باشید، یک سال قبل، در اپیزود «جهان در سال ۲۰۱۷» اخبار سوریه بسیار داغ بود. هنوز هم هست، اما نه به شدت و حدت سال ۲۰۱۷؛ چراکه تا حد زیادی از فشار جنگ کاسته شده است. قبل از آن که در مورد اتفاقات مهم سال ۲۰۱۸ سوریه صحبت کنم، یادآوری کنم که اگر در مورد چند و چون جنگ سوریه سؤال دارید، می‌توانید قسمت هشتم دایجست را گوش کنید تا مفصلاً با این جنگ پیچیده آشنا شوید. پس در این جا از شرح جزئیات و اطلاعات پایه‌ای صرف نظر می‌کنیم.

می‌توان گفت بشار اسد و نیروهای دولتی سوریه - که توسط ایران و روسیه حمایت می‌شوند - در سال ۲۰۱۸ پیروزی‌های بسیاری به دست آوردند و توانستند کنترل بیشتر خاک سوریه را در دست بگیرند؛ مخصوصاً پس از آن که نیروهای مخالف اسد در سال ۲۰۱۷ پایگاه مهمشان در حلب را از دست دادند.

از سوی دیگر داعش - که از همه طرف تحت فشار بود - تقریباً از بین رفت. داعشی‌ها در همین روزها برای نگه داشتن آخرین پایگاه خود در سوریه با نیروهای ارتش این کشور در حال مبارزه هستند و می‌توان گفت عملاً از بین رفته‌اند.

از دیگر اتفاقات مهم این کشور، حمله‌ی هوایی ائتلاف آمریکا و انگلستان و فرانسه در آوریل ۲۰۱۸ به مواضع بشار اسد بود. این حمله - که تا کنون بزرگ‌ترین حمله‌ی هوایی به سوریه بوده است - به آن دلیل صورت گرفت که حمله‌کنندگان ادعا می‌کردند بشار از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده است؛ هرچند که بشار این ادعا را رد کرده بود. غربی‌ها هدف این حملات هوایی را کارخانه‌های ساخت تسلیحات شیمیایی معرفی کرده بودند.

ترامپ در اواخر ۲۰۱۸ اعلام کرد که می‌خواهد نیروهایش را از سوریه خارج کند و این موضوع باعث نگرانی نیروهای کُرد تحت حمایت آمریکا شد. نیروهای کُرد پس از این که توانستند با کمک آمریکا داعش را از شمال سوریه خارج کنند، قدرت بیشتری یافتند و ترکیه از این بابت احساس خطر می‌کرد و به همین دلیل حمله به کردهای شمال سوریه را آغاز کرد. در نتیجه اکنون که آمریکا قصد خروج از سوریه را دارد، کردها بیشتر احساس ناامنی می‌کنند.

با قدرت گرفتن دوباره‌ی نیروهای بشار، بازیگر دیگری که تا این‌جا کار نقش‌چندان فعالی نداشت هم روی صحنه آمد: اسرائیل. در سال ۲۰۱۸ ما شاهد حملات هوایی بسیاری از سمت اسرائیل به خاک سوریه بودیم که مدعی بود مواضع سوری و ایرانی را مورد هدف قرار می‌داد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در سال ۲۰۱۸ اوضاع سوریه کماکان ناآرام بود، اما کمی کم‌تر از سال پیشین.

یمن

پس از سوریه نوبت به یمن می‌رسد که یکی از فقیرترین کشورهای خاورمیانه است. جایی که به گزارش سازمان ملل، در حال تجربه‌ی بدترین بحران انسانی است. طی جنگی که از سال ۲۰۱۴ در یمن شروع شده است، تا کنون نزدیک به ۱۰ هزار نفر کشته شده‌اند، نزدیک به ۸٫۴ میلیون نفر در ریسک گرسنگی در حد مرگ هستند، سه نفر از هر ۴ نفر نیازمند کمک‌های پایه‌ای برای زنده ماندن است و سوءتغذیه‌ی شدید جان ۴۰۰ هزار کودک زیر ۵ سال را تهدید می‌کند. جایی که بزرگ‌ترین شیوع وبا رخ داده است. ماجرای یمن را با هم مرور می‌کنیم: همه‌چیز از بهار عربی سال ۲۰۱۱ شروع شد. اگر به خاطر داشته باشید، موجی بیشتر کشورهای عربی را فراگرفت: مصر، تونس، لیبی، بحرین و سوریه. تحت تأثیر همین موج، مردم یمن هم علیه دولت عبدالله صالح تظاهرات کردند و او مجبور شد قدرت را به معاون خود یعنی منصور هادی منتقل کند. بنا بود این انتقال سیاسی آرامش را به یمن برگرداند، ولی منصور هادی درگیر مسائل مختلفی شد؛ حملات شبه‌نظامیان، فساد، عدم امنیت غذایی و وفاداری برخی به رئیس‌جمهور قبلی یعنی عبدالله صالح.

در سال ۲۰۱۴ گروه‌های شورشی شیعه، ملقب به حوثی‌ها، از ضعف رئیس‌جمهور جدید استفاده کرده و کنترل شمال استان صعده و مناطق مجاورش را به دست گرفتند. آنان با فشارهای بعدی پایتخت یمن (شهر صنعاء) را به تسخیر خود درآورده و منصور هادی را به خارج از یمن تبعید کردند.

این‌جا بود که ائتلافی به رهبری عربستان به همراه هشت کشور عربی وارد عمل شد تا با حملات هوایی، مواضع حوثی‌ها را به قصد دفاع از دولت منصور هادی مورد هدف قرار دهد. آمریکا، انگلیس و فرانسه از این ائتلاف حمایت می‌کردند. تئوری‌ای وجود دارد که می‌گوید یمن هم مانند سوریه درگیر یک جنگ نیابتی شده است که یک طرف آن عربستان و طرف دیگرش ایران است. دولت عربستان مدعی است که ایران به حوثی‌های یمن کمک‌های نظامی و لجستیکی می‌کند و به دنبال گسترش نفوذ خود در این منطقه است؛ هرچند که ایران این ادعاها را رد کرده است.

علاوه بر حوثی‌ها، گروه‌های دیگری هم در یمن می‌جنگند. مثلاً گروهی وجود دارد که هم با حوثی‌ها مشکل دارند و هم با دولت هادی. این گروه «استقلال طلب‌ها» نامیده می‌شوند.

اتفاق دیگری که در سال ۲۰۱۸ برای یمن افتاد این بود که برای اولین بار مذاکرات صلحی بین طرف‌های درگیر شکل گرفت. این مذاکرات هنوز به نتیجه‌ی مشخصی نرسیده است. باید صبر کرد و دید که منطقه به چه راه‌حل سیاسی‌ای دست خواهد یافت. این جنگ همچنان در جریان است و آمریکا کماکان از ائتلاف عربستانی حمایت می‌کند؛ هرچند که بعد از ترور خاشقچی کنگره‌ی آمریکا دولت را برای قطع حمایت از عربستان تحت فشار گذاشته است.

رسوایی Facebook و اجرایی شدن GDPR

در سال ۲۰۱۸ دو اتفاق خیلی مهم در حوزه‌ی حفاظت از اطلاعات شخصی و دیجیتال رخ داد. یکی از این اتفاق‌ها رسوایی فیس‌بوک

و شرکت کمبریج آنالیتیکا بود.

شرکت کمبریج آنالیتیکا یک شرکت مشاوره‌ی سیاسی انگلیسی بود که با استفاده از روش‌های کنکاش اطلاعاتی و ارتباطات استراتژیک به سیاستمداران در راستای کمپین‌های تبلیغاتی‌شان مشاوره‌های خاص می‌داد تا در رسیدن به اهداف خود موفق شوند. این شرکت همان شرکتی است که برای پیروزی در انتخابات به دونالد ترامپ و تد کروزر اطلاعات فروخته بود. اما این موضوع چه ارتباطی به فیس‌بوک دارد؟ فیس‌بوک همیشه تکنولوژی ابزارهایی را به توسعه‌دهندگان ارائه می‌دهد. یکی از این ابزار «فیس‌بوک لوگین» است. حتماً در سایت‌ها و اپلیکیشن‌های مختلف دیده‌اید که برای شروع به کار ابتدا باید ثبت‌نام کنید. گاه در پایین فرم ثبت‌نام گزینه‌ای وجود دارد که می‌توانید به جای طی کردن مراحل ثبت‌نام، با حساب فیس‌بوکتان وارد شوید. به این کار «فیس‌بوک لوگین» می‌گویند که بسیار آسان‌تر است. فرد به جای وارد کردن اسم و ایمیل و حفظ کردن پس‌ورد جدید، به سادگی یک کلیک با حساب فیس‌بوک خود وارد می‌شود. ورود با حساب فیس‌بوک یک سری اطلاعات را در اختیار صفحه‌ی میزبان قرار می‌دهد؛ از جمله اسم، ایمیل، محل زندگی و... این همان اتفاقی است که سال ۲۰۱۴ افتاد. فردی به نام کوگان اپلیکیشن *this is your digital life* را ساخت. این اپ از ابزار فیس‌بوک لوگین استفاده می‌کرد. حدود ۲۷۰ هزار نفر با استفاده از فیس‌بوک لوگین وارد این برنامه شدند و اطلاعاتشان در اختیار این برنامه قرار گرفت. نکته‌ی مهم این است که فیس‌بوک در آن زمان نه تنها اطلاعات خود آن افراد را در اختیار برنامه قرار می‌داد، بلکه اطلاعات دوستان فیس‌بوکی آن شخص را هم استخراج می‌کرد. در نتیجه از طریق همین ۲۷۰ هزار نفر، اطلاعات حدود ۸۰ میلیون نفر - که ۷۰ میلیون آن آمریکایی بودند - به این برنامه منتقل شده بود؛ اطلاعاتی از قبیل لایک‌هایی که کرده بودند، صفحه‌هایی که دنبال می‌کنند و...

آقای کوگان اطلاعات استخراج‌شده را در اختیار کمبریج آنالیتیکا قرار داد تا آنان بتوانند با تحلیل این اطلاعات، بخش‌بندی‌های روان‌شناختی انجام دهند. نتیجه‌ی این تحلیل‌ها اطلاعاتی بود که به مشتریان خود می‌فروختند. مثلاً ترامپ با استفاده از همین اطلاعات می‌دانست در هر ایالت و منطقه از چه پیام‌هایی استفاده کند تا بیشترین تأثیر را داشته‌باشد.

خبرنگاران از سال ۲۰۱۵ این موضوع را به‌صورت پراکنده گزارش می‌کردند، ولی توجهات زیادی را جلب نمی‌کرد؛ تا این که خبر در مارس ۲۰۱۸ مثل بمب صدا کرد. سقوط حدوداً ۱۰۰ میلیارد دلاری ارزش سهام فیس‌بوک از عواقب این ماجرا بود. سیاستمداران انگلیسی و آمریکایی خواستار پاسخگویی مارک زاکربرگ شدند. شاید صحنه‌های شهادت زاکربرگ در کنگره‌های انگلیس و آمریکا را دیده‌باشید. نهایتاً زاکربرگ به‌خاطر اشتباه‌شان در سخت‌گیرانه‌تر نکردن سیاست‌های فیس‌بوک از همه عذرخواهی کرد و وعده داد که فیس‌بوک پس از این دستخوش تغییرات شگرف در راستای حفاظت از اطلاعات مردم خواهد شد.

از سوی دیگر چندین سال بود که در اتحادیه‌ی اروپا مذاکراتی پیرامون حفاظت از اطلاعات شخصی افراد، مخصوصاً در فضای مجازی، در جریان بود. سرانجام با تصویب قانون GDPR، این اصول باید از می ۲۰۱۸ اجرایی می‌شدند.

GDPR که مخفف General Data Protection Regulation (قانون حفاظت از اطلاعات عمومی) است، می‌گوید تمام شرکت‌هایی که به هر نحوی داده‌های اطلاعاتی مردم (حتی در زمان ثبت‌نام برای ورود به برنامه یا وب‌سایت) را جمع‌آوری می‌کنند، در قبال آن‌ها مسئولند و موظفند برای محافظت هر چه بیشتر از این اطلاعات، اقداماتی انجام دهند.

این قانونی در اتحادیه‌ی اروپا تصویب شده و باید دید که چه کمپانی‌هایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. GDPR تمام شرکت‌های داخل اروپا را ملزم به اجرای این قانون کرده و تمام شرکت‌های غیراروپایی که مخاطبان‌شان مردم اتحادیه‌ی اروپا هستند هم باید GDPR را رعایت کنند. در نتیجه بسیاری از شرکت‌ها تحت تأثیر این مسئله قرار گرفته‌اند. فیس‌بوک یکی از شرکت‌هایی بود که رعایت این قانون را آغاز کرد. اگر به‌خاطر داشته‌باشید، بسیاری از اپ‌ها در سال گذشته ایمیل‌ها و نوتیفیکیشن‌هایی ارسال می‌کردند که برای استفاده از اطلاعات اجازه بگیرند. اینستاگرام یکی از همین اپلیکیشن‌ها بود که متعلق به فیس‌بوک است.

GDPR چند رکن اصلی دارد که هر شرکتی ملزم به رعایت کردن آن‌هاست. در این جا به جزئیات آن وارد نمی‌شویم. شما می‌توانید آن قوانین را از طریق لینکی که در shownote قرار می‌دهم، مطالعه کنید.

تظاهرات جلیقه‌زرها در فرانسه

فرانسه یکی از نقاطی بود که در سال ۲۰۱۸ توجه زیادی به خود جلب کرد. دلیل این اتفاق، جنبش یا تظاهرات جلیقه‌زرها - یا به اصطلاح خود فرانسوی‌ها «ژیله ژونز» - بود.

پس از آن که امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، دستور افزایش مالیات سوخت را صادر کرد، قیمت سوخت بیست درصد بیشتر شد و به میانگین ۱۵۱ یورو در هر لیتر رسید. این امر باعث شد تا اقبال کم‌درآمد فرانسه که بیشتر در شهرهای کوچک‌تر زندگی می‌کردند، به قول خودشان، تحت تأثیر این افزایش مالیات قرار بگیرند. آنان در مخالفت با این افزایش مالیات در ماه نوامبر تظاهرات کردند.

- چرا جلیقه‌زرد؟ فرانسه از چند سال پیش قانونی وضع کرد که تمام دارندگان وسایل نقلیه را ملزم می‌کرد یک جلیقه‌زرد - به‌عنوان وسیله‌ی ضروری - در خودروی خود داشته‌باشند. حال چون این جلیقه سمبل وسیله‌ی نقلیه است و به نوعی به سوخت مربوط می‌شود و همه آن را دارند، به نماد این اعتراضات تبدیل شد.

این اعتراضات تا حدی گسترش یافت که گفته می‌شود فرانسه از سال ۱۹۶۸ تا کنون چنین اعتراضات خشونت‌آمیزی به خود ندیده‌است. در آغاز مردم جاده‌ها و خیابان‌ها را بستند و بعد در شهرهای مختلف فرانسه به خیابان‌ها ریختند. این اعتراضات در پاریس بیش از هر جای دیگر به سمت خشونت کشیده شده‌است. نکته‌ی جالبی که وجود دارد این است که هیچ رهبر و حزب خاصی پشت این اعتراضات و جنبش نیست و در حقیقت صدای مستقل طبقه‌ی کارگر بلند شده‌است.

حال گفته می‌شود که بین اهداف معترضین چنددستگی وجود دارد. هدف عده‌ای تنها کاهش مالیات سوخت بوده‌است، ولی مطالبات

عده‌ی دیگری فراتر از مالیات سوخت است. آنان می‌گویند که ماکرون حامی افراد ثروتمند و شرکت‌هاست و حتی گاهی او را با ترامپ مقایسه می‌کنند. این افراد معتقدند که ماکرون به طبقات پایین جامعه اهمیتی نمی‌دهد. به همین دلیل حتی با اعلام عقب‌نشینی دولت از طرح افزایش مالیات سوخت، باز هم قائله ختم نشد. ماکرون می‌گوید معترضین به مالیات همان کسانی‌اند که به‌خاطر آلودگی هوا هم اعتراض می‌کنند و این درست نیست.

این تظاهرات که بسیار خشونت‌آمیز بوده‌است در ماه‌های پایانی سال ادامه داشت و همچنان در جریان است. باید دید که ماکرون چگونه با بزرگ‌ترین چالش دوران ریاست‌جمهوری خود مقابله خواهد کرد.

دیوار مرزی مکزیک و تعطیلی دولت آمریکا

در پایان به اتفاقی اشاره می‌کنیم که باعث شد دولت آمریکا طولانی‌ترین تعطیلی تاریخ خود را تجربه کند.

ترامپ -از زمانی که نیت کرده‌بود رئیس‌جمهور آمریکا شود- همواره درباره‌ی ممانعت از ورود غیرقانونی مهاجرین از مکزیک به آمریکا سخن می‌گفت. راهکار او ساختن یک دیوار واقعی در مرز آمریکا و مکزیک بود. او نه تنها می‌گفت این دیوار را می‌سازد، بلکه می‌گفت کاری می‌کنم خود مکزیک هزینه‌ی ساختن آن را پرداخت کند.

ترامپ ابتدا از یک دیوار بتنی بزرگ چندین‌متری سخن می‌گفت، اما با گذشت زمان حرف‌های تازه‌ای می‌زد. مثلاً بعداً گفت که این دیوار باید به‌نحوی ساخته شود که سمت دیگرش قابل دیدن باشد. بار دیگر گفت این دیوار باید از فولاد ساخته شود و... نهایتاً هنوز مشخص نیست که این دیوار چه شکل و شمایی دارد.

هم‌اکنون یک سوم مرز آمریکا و مکزیک دیوار یا مانع دارد؛ به‌عبارتی حدود ۶۰۰ مایل آن حصارکشی شده‌است. خط مرزی دو کشور حدود ۱۹۰۰ مایل است. دیوار ترامپ حدود ۱۰۰۰ مایل را در بر می‌گیرد و باقی‌مانده‌ی آن را موانع طبیعی پوشش می‌دهند که نیازی به دیوار ندارد.

ترامپ در سال ۲۰۱۷ گفته بود که ساخت این دیوار حدود ۱۰ میلیارد دلار هزینه دارد؛ ولی در همان سال گزارش‌های مختلف به عددی نزدیک ۲۱ میلیارد دلار اشاره داشتند. حتی بعضی تخمین‌ها از این مقدار هم بیشتر بود. با این وجود ترامپ برای ساخت این دیوار، ۵٫۶ میلیارد دلار بودجه درخواست کرده‌است. اما این پول باید از کجا تأمین شود؟

در آغاز ترامپ می‌گفت مکزیک باید پول ساخت دیوار را بپردازد و طبیعتاً مکزیک این کار را نمی‌کرد. پس به این نقطه‌ی بدیهی می‌رسیم که آمریکا باید پول ساخت دیوار را فراهم کند. کنگره باید بودجه‌ی ساخت دیوار را تصویب می‌کرد؛ کنگره‌ای که اکثریت کرسی‌هایش را حزب دموکرات (حزب مخالف ترامپ) تصاحب کرده‌اند.

در ابتدای این قسمت گفتیم که وقتی کنگره و دولت هم‌سو نباشند، دولت دچار مشکلاتی می‌شود. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات امسال ترامپ، همین دیوار بود. کنگره درخواست بودجه‌ی ۵٫۶ میلیارد دلاری ترامپ را تصویب نمی‌کرد. به نظر کنگره ساختن چنین دیواری مضحک است. ترامپ تهدید کرد که اگر بودجه را تصویب نکنید، دولت را تعطیل می‌کنم و واقعاً این کار را کرد! دولت آمریکا ۳۵ روز کامل تعطیل بود. این طولانی‌ترین تعطیلی دولت آمریکا در طول تاریخ است که از دسامبر شروع شد و تا ژانویه به طول انجامید.

تمام هزینه‌ای که کنگره تصویب کرده‌بود ۱٫۵ میلیارد دلار بود که به‌طور کلی برای تأمین امنیت مرزی بود و نه الزاماً ساختن دیوار. ترامپ این مقدار را نمی‌پذیرفت و می‌خواست کل مقدار درخواستی‌اش تأیید شود. اما کنگره -با وجود این که تعطیلی به افراد زیادی آسیب می‌رساند- حاضر نشد تسلیم زورگویی ترامپ شود و بودجه را تأیید نکرد. در نهایت کنگره و دولت به توافق رسیدند که دولت را بدون تصویب بودجه باز کنند. ترامپ باز هم تهدید کرد که اگر تا یک ماه دیگر بودجه تصویب نشود، اقدامات دیگری انجام می‌دهد.

آخرین خبر از وضعیت این دیوار -که البته چند روز پیش و در سال ۲۰۱۹ اتفاق افتاد- این است که ترامپ -که دید از راه قبلی به نتیجه نمی‌رسد- اعلام National emergency (وضعیت اضطراری ملی) کرد.

در این وضعیت رئیس‌جمهور به قدرت‌هایی دست می‌یابد که در حالت عادی در اختیارش نیست. بدین ترتیب ترامپ می‌تواند کنگره را دور بزند و پول ساخت دیوار را از بودجه وزارت‌خانه‌های دیگر، مثلاً وزارت دفاع، برداشت کند و دیوار را بسازد. رئیس‌جمهورها معمولاً از این قانون در موارد خاص استفاده می‌کنند. مثلاً جورج بوش بعد از ماجرای ۱۱ سپتامبر، برای دستور حمله به ارتش، از این وضعیت استفاده کرد. البته کنگره و سنا می‌توانند این حالت را ملغی کنند، اما همان‌طور که پیش‌تر گفتیم -به دلیل آن که اکثریت سنا در دست جمهوری‌خواهان است- این کار دشوار به نظر می‌رسد. ماجرای این دیوار همچنان با تنش بین دولت و کنگره در جریان است و باید صبر کرد و ادامه‌ی آن را دید؛ چراکه ممکن است ساخت این دیوار در سرنوشت ترامپ و رأی آوردن او در دور بعدی ریاست‌جمهوری، نقش به‌سزایی داشته‌باشد.

منابع

<https://www.bbc.com/news/business-40982032>

<https://www.bbc.com/news/business-45899310>

<https://www.bbc.com/news/world-europe-45812399>

https://en.wikipedia.org/wiki/Jamal_Khashoggi

<http://www.differencebetween.net/miscellaneous/politics/difference-between-house-and-senate/>

https://en.wikipedia.org/wiki/History_of_the_United_States_Senate

https://en.wikipedia.org/wiki/2018_United_States_elections

<https://www.forbes.com/sites/ellenrwald/2018/06/06/10-companies-leaving-iran-as-trumps-sanctions-close-in>

#1239afcec90f

<https://www.cfr.org/article/return-us-sanctions-iran-what-know>
<https://www.bbc.com/news/uk-politics-32810887>
https://en.wikipedia.org/wiki/President_of_Russia
https://en.wikipedia.org/wiki/2015%E2%80%9316_New_Year%27s_Eve_sexual_assaults_in_Germany
<https://www.forbes.com/sites/cherryreynard/2018/07/16/will-the-world-cup-boost-russian-growth/#291790bff13d>
<https://www.independent.co.uk/sport/football/premier-league/2018-russia-world-cup-england-france-croatia-final-fifa-viewing-figures-numbers-a8694261.html>
<http://digg.com/2017/what-to-read-meghan-markle>
<https://www.businessinsider.com/royal-wedding-cost-meghan-markle-prince-harry-2018-4>
<https://www.thirdway.org/memo/what-you-need-to-know-about-negotiations-with-north-korea>
<https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2018/06/12/what-kim-jong-un-and-trump-each-achieved-in-singapore/>
<https://worldview.stratfor.com/article/syria-2018-visual-anthology>
<https://www.newsdeeply.com/syria/articles/2018/01/18/syria-2018-the-major-issues-for-the-year-ahead>
<https://www.bbc.com/news/av/world-middle-east-42762501/why-is-turkey-attacking-syria>
<https://www.bbc.co.uk/newsround/16979186>
<https://www.bbc.com/news/world-middle-east-44466574>
<https://www.youtube.com/watch?v=GXIbbkNwBHA>
https://en.wikipedia.org/wiki/Facebook%E2%80%93Cambridge_Analytica_data_scandal
<https://www.coredna.com/blogs/general-data-protection-regulation>
<https://www.recode.net/2018/3/17/17134072/facebook-cambridge-analytica-trump-explained-user-data>
<https://www.youtube.com/watch?v=PMm8omU-IeI>
<https://www.youtube.com/watch?v=O7oKpUpOGKs>

Digesttt